

## **An Introduction to the Personality and Theological Methodology of Seyyed Deldar Ali Naghavi in Explaining Imamate Based on the Book *Emad al-Islam*<sup>1</sup>**

Mohammad Reza Mollanuri shamsi<sup>\*</sup>

Mohammad Ghafurinejad<sup>\*\*</sup> Emdad Turan<sup>\*\*\*</sup>

(Received on: 2019-12-09; Accepted on: 2020-07-02)

### **Abstract**

One of the important tasks of a theologian is to explain religious teachings. "Explanation" in theology means that the theologian explains the doctrinal statement to the audience in such a way that they find a clear picture of the doctrinal teaching in their minds. Seyyed Deldar Ali Naghavi, one of the great personalities of the Lucknow theological school in the thirteenth century AH, in his most important theological work entitled *Emad al-Islam*, has used several methods to explain the Imamate. In this study, by reviewing the manuscript of his book, we have extracted and enumerated the methods he has employed in this regard. They are as follows: The method of terms definition in defining the Imamate and explicit and implicit text, the method of history description in the issue of the necessity of the Imamate, infallibility, ways of determining the Imam and the existence or absence of the text, the method of principles expression in the discussion of the authority of consensus and the necessity of the Imamate, the method of mentioning the consequences and outcomes in expounding the non-necessity of appointing an Imam by God, the fallibility of the Imam and the existence of two Imams at the same time, the method of making example and analogy in explaining the necessity of appointing the Imam by God and that the Imam should be knowledgeable about the whole religion and be the best of people, the method of mentioning the benefits and functions in explaining the Imamate, the method of using narrations in various subjects, including the necessity of Imam appointment and the Imamate of Imam Ali (AS).

**Keywords:** Theological Methodology, Seyyed Deldar Ali Naghavi, Emad al-Islam, Explanation, Imamate.

---

1. This article is taken from: Mohammad Reza Mollanuri Shamsi, "Shiite Theological School in Lucknow; Case Study of Ejtihad Dynasty", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Mohammad Ghafurinejad, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

<sup>\*</sup>PhD Student in Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), mr.mollanori@urd.ac.ir.

<sup>\*\*</sup> Associate Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, thafoori@urd.ac.ir.

<sup>\*\*\*</sup> Assistant Professor, Department of Shiite History and Sects, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, toran@urd.ac.ir.

## درآمدی بر شخصیت و روش‌شناسی کلامی سید دلدار علی نقوی در تبیین امامت بر اساس کتاب *عماد الاسلام*<sup>۱</sup>

محمد رضا ملانوری شمسی\* محمد غفوری‌نژاد\*\* امداد توران\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۲]

### چکیده

یکی از وظایف مهم متکلم تبیین آموزه‌های دینی است. منظور از «تبیین» در علم کلام آن است که متکلم گزاره اعتقادی را به گونه‌ای برای مخاطبان توضیح دهد که آنان تصویر روشن و واضحی از آموزه اعتقادی در ذهن خود بیابند. سید دلدار علی نقوی، یکی از شخصیت‌های بزرگ مکتب کلامی لکهنو در قرن سیزدهم هجری، در مهم‌ترین اثر کلامی‌اش با عنوان *عماد الاسلام*، از روش‌های متعددی در تبیین امامت بهره برده است. در این تحقیق با مروری بر نسخه خطی این کتاب روش‌هایی را که او در این مقام استفاده کرده استخراج کرده و برشمرده‌ایم. وی در تعریف امامت و تعریف نص جلی و خفی از روش تعریف مفردات، در مسئله وجوب امامت، عصمت، راه‌های تعیین امام و وجود یا فقدان نص از روش ذکر تاریخچه، در بحث حجیت اجماع و وجوب امامت از روش ذکر مبانی، در تشریح وجوب نداشتن نصب امام از جانب خداوند، معصوم نبودن امام و وجود دو امام در یک زمان از روش ذکر لوازم و پیامدها، در تبیین وجوب نصب امام بر خداوند و اینکه امام باید عالم به کل دین و افضل از مردم باشد از روش ذکر مثال و تشبیه، در تبیین امامت از روش ذکر فواید و کارکردها و در موضوعات مختلف از جمله وجوب نصب امام و امامت حضرت علی (علیه السلام) از روش استفاده از روایات بهره برده است.

**کلیدواژه‌ها:** روش‌شناسی کلامی، سید دلدار علی نقوی، *عماد الاسلام*، تبیین، امامت.

---

۱. برگرفته از: محمد رضا ملانوری شمسی، مدرسه کلامی شیعه در لکهنو؛ بررسی موردی خاندان اجتهاد، رساله دکتری، استاد راهنما: محمد غفوری‌نژاد، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۸.  
\* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) [mr.mollanori@urd.ac.ir](mailto:mr.mollanori@urd.ac.ir)  
\*\* دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران [thafoori@urd.ac.ir](mailto:thafoori@urd.ac.ir)  
\*\*\* استادیار گروه تاریخ و فرق تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران [toran@urd.ac.ir](mailto:toran@urd.ac.ir)

## مقدمه

منابع تاریخی، کلامی، رجالی و همچنین اجازه‌نامه‌های علما بیانگر آن است که در قرن دوازدهم و سیزدهم متکلمان توانمند و تأثیرگذاری، که برخی مشهور و برخی دیگر ناشناخته‌اند، از میان دانشمندان امامی لکهنو برخاسته‌اند و با مجاهدت‌های فراوان خویش دوران درخشانی را برای این منطقه و تاریخ کلام امامیه رقم زده و در شکوفایی علمی لکهنو نقش‌آفرین بوده‌اند. اما متأسفانه به دلیل نامناسب بودن اوضاع و احوال، نتوانسته‌اند آثار فاخر و گران‌سنگ علمی خود را به مخاطبان برسانند. از این‌رو دور از دسترس مخاطبان، گرد و غبار فراموشی به خود گرفته و در مطالعات معاصر نیز توجهی به آن نشده است. با توجه به اینکه لکهنو برای مدت چشمگیری در داشتن عالمان برجسته و تولید آثار علمی امامیه نقش‌آفرین بوده و هر یک از این علما سهم چشمگیری در تحکیم این سیر فکری داشته‌اند، شناخت متکلمان و آثار کلامی‌شان به منظور تحلیل زوایای پنهان تاریخ کلام امامیه اهمیت فراوان دارد. از این‌رو این پژوهش در صدد است با معرفی یکی از بزرگ‌ترین متکلمان شیعی این دوره و بیان روش‌هایی که وی در مقام تبیین امامت استفاده کرده است، نشان دهد که شخصیت‌های برجسته کلامی در این دوره حضور داشته و تأثیرگذار هم بوده‌اند.

### ۱. زندگی‌نامه سید دلدارعلی نقوی

سید دلدارعلی ملقب به سیدالعلما (کتوری، ۱۳۸۴: ۱۲/۱)، آیت‌الله فی‌العالمین (کتوری، ۱۴۰۹: ۴) و معروف به غفران‌مآب (صدرالافاضل، ۱۳۷۴: ۲۴۹) یکی از متکلمان بنام نیمه اول قرن سیزدهم هجری در لکهنو است. وی در یکی از شب‌های جمعه ۱۱۶۶ ه.ق. در جایس نصیرآباد متولد شد (حسینی رضوی عظیم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۲۳۹) و در ۱۹ رجب ۱۲۳۵ دار فانی را وداع گفت (نقوی، ۱۳۸۹: ۵۴). وفات وی در عهد سلطنت غازی‌الدین حیدر، از پادشاهان اوده، بود (رحمان‌علی، ۱۳۹۱: ۸۴).

پدر سید دلدارعلی، سید محمدمعین نام داشت و از اشراف و ملائکین بود؛ اما سید دلدارعلی از نوجوانی به علم دین علاقه داشت (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). بعد از دوران کودکی درس را در منزل شروع کرد و کتاب‌های ابتدایی را به پایان رساند و پس از آن برای تحصیلات بیشتر عازم سفر شد. وی اکثر کتب درسی را در إله‌آباد، نزد سید

غلام‌حسین دکنی ال‌آبادی، و بخشی را نیز در سَنَدِلیه، نزد مولوی حیدرعلی سندیلوی، تحصیل کرد (صدرالافاضل، ۱۳۷۴: ۲۴۶).

در آن زمان حوزه شیعی مستقلی در آن منطقه وجود نداشت و علمای شیعه، زبان عربی، منطق، فلسفه، تفسیر و غیره را از علمای ارشد اهل سنت و همچنین اهل سنت از شیعیان فرا می‌گرفتند. سید دلدارعلی علم فقه، اصول حدیث و کلام را از استادان شیعه و سنی هر دو فرا گرفت. لذا او نه تنها مجتهد بزرگ فقه و اصول شیعه بود، بلکه استاد فقه و کلام تطبیقی هم به شمار می‌رفت (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

سید دلدارعلی پس از تکمیل تحصیلات در هند، به منظور تکمیل دانش خود دیار به دیار و شهر به شهر سفر کرد. وی راهی عراق و ایران شد. از جمله استادان وی در کربلا، محمدباقر بهبهانی، سید علی حسینی طباطبایی و سید محمد مهدی موسوی شهرستانی و در نجف سید محمد مهدی طباطبایی بودند (برخی از شاگردان غفران‌مآب، ۱۳۹۴: ۵۱/۱-۹۲). وی بعد از گرفتن اجازه‌نامه از استادان سامرا، کربلا و نجف به برخی از شهرهای ایران همچون اصفهان، قم و مشهد سفر کرد (همان: ۲۷۴/۱-۳۱۱ و ۱۱۰۳/۲-۱۱۱۶) و در درس برخی از بزرگان همچون سید مهدی بن هدایت‌الله اصفهانی شرکت کرد. او پس از اخذ مدارک و اجازه‌نامه از علمای ایران در سال ۱۱۹۴ ه.ق. به وطن بازگشت (آزاد کشمیری، ۱۳۸۷: ۳۷۰). بنا بر آنچه در کشف الحجب گزارش شده، او از سید محمد مهدی بن مرتضی بن محمد الحسنی الحسینی الطباطبایی النجفی، محمد مهدی بن ابی القاسم الموسوی شهرستانی، محمد مهدی بن هدایت‌الله الموسوی الاصفهانی المشهدی و سید علی بن محمد بن علی بن ابی المعالی الحسنی الحسینی الطباطبایی اجازه نقل روایت کسب کرده است (کتوری، ۱۴۰۹: النص ۱۰-۱۱).

سید دلدارعلی نخستین شخصی است که در هند به عنوان «مجتهد» معروف شد و مذهب امامیه اصولیه را منتشر کرد (آزاد کشمیری، ۱۳۸۷: ۳۷۰). در تعریف و شناسایی مقامات علمی وی همین بس که نجفی، صاحب جوهر، با همه شهرت و جلالتش، او را در برخی از مکتوبات خود با عناوینی همچون «العلامة الفائق»، «کتاب الله الناطق»، «خاتم المجتهدین»، «شمس الانام مصباح الظلام من بهر العقول بدقائق افکاره و انار شبهات العقول بکواکب انظاره حجة الله علی العالمین»، «آية الله العظمی فی الاولین والآخرین» وصف کرده است (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۳۱/۶).

آقابزرگ تهرانی نیز در *الذریعة*، ذیل معرفی برخی از کتاب‌های وی، همچون *اساس الاصول* (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۴/۲) و *الصوارم الالهيات فی قطع شبهات عابدى العزى واللوات*، جمله «المجاز من سيدنا بحر العلوم» را می‌آورد (همان: ۹۲/۱۵) که این نیز نشانه عظمت او است. تقریظ سید مهدی بحر العلوم و سید علی طباطبایی، صاحب *ریاض*، بر کتاب‌های *اساس الاصول* (همان: ۴/۲) و *المواعظ الحسينية* (همان: ۲۲۷/۲۳) نیز عظمت او را نشان می‌دهد.

سید دلدارعلی در جهت گسترش معارف اسلامی، علاوه بر تألیف کتاب‌های مختلف به تربیت مبلغان و شاگردان توجه خاصی داشت. شاگردان وی در سراسر شبه‌قاره هند پراکنده شدند و معارف و علوم اهل بیت را پخش کردند. بیشتر علمای بزرگ شیعه که پس از او در هند ظهور یافته‌اند، از نسل او یا از پرورش‌یافتگان وی و اخلافش هستند (ثبوت، ۱۳۸۰: ۲۰۶). از قرن هیجدهم قمری تا امروز، مرجعیت شیعه و رهبری دینی شیعیان هند، برای هفت نسل، در او و خانواده‌اش مستقر بود و از همین روی، نسل سید دلدارعلی، خانواده «اجتهاد» نامیده شد (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

افاضل بسیاری از شاگردان ایشان هستند که برشمردن نامشان دشوار است، اما می‌توان به برخی از مهم‌ترین آنان اشاره کرد. سید محمدقلی، پدر میرحامدحسین، یکی از شاگردان سرشناس سید دلدارعلی است که تألیفات فراوانی داشته است، از جمله: *نفاق الشیخین بالحدیثین الصحیحین* (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۴۳/۲۴). *سیف ناصری* مشتمل بر رد باب اول *تحفة اثنی عشریة*، *اجویة الفاخرة* در رد جواب *سیف ناصری* که رشیدالدین دهلوی نگاشته، *تقلیب المکاید* مشتمل بر رد باب دوم *تحفة اثنی عشریة*، *برهان سعادت* مشتمل بر رد باب هفتم *تحفة اثنی عشریة* در امامت، *تشید المطاعن لکشف الضغائن* مشتمل بر رد باب دهم *تحفة اثنی عشریة*، *مصارع الافهام لقطع الاوهام* مشتمل بر رد باب یازدهم *تحفة اثنی عشریة* (حسینی رضوی عظیم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۳۱۹-۳۲۲).

از دیگر شاگردان وی می‌توان به میرزا کاظم‌علی بن غلام‌علی لکهنوی مؤلف کتاب *نصرة المؤمنین فی کشف شبهات المعاندین* در مبحث امامت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۷۸/۲۴)، میرمرتضی، میرزا فخرالدین احمدخان بهادر، میرزا محمدخلیل، سید غلام‌حسن، سید محمدباقر واعظ، سید شاکرعلی، سید سجادعلی جایسی، سید عبدالعلی، سید نظام‌الدین حسین و میرزا علی‌شریف‌خان اشاره کرد که همگی در علم

کلام، اصول و فقه مهارت داشتند و در این زمینه آثار فاخری از خود به جای گذاشته‌اند (برخی از شاگردان غفران‌مآب، ۱۳۹۴: ۱۱۵/۱-۱۵۴). فرزندان سید دلدارعلی نیز نزد پدر به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداختند. از میان آنان فرزند اول و آخر از شهرت بیشتری برخوردارند و کتاب مستقلی در شرح حال این دو تألیف شده است.

سید دلدارعلی در کنار اقدامات فرهنگی و اجتماعی به فعالیت‌های رفاهی و عمرانی نیز پرداخت. وی علاوه بر برگزاری نخستین نماز جمعه و جماعت شیعه در شمال هند (آزاد کشمیری، ۱۳۸۷: ۳۷۱)، برای نخستین بار حوزه علمیه و درس خارج را نیز در هند دایر کرد (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۲۲) و از این طریق بدعت‌ها را از بین برد و مراسم عزاداری را گسترش داد و حاکمان و مقامات مسئول را به رعایت امور مذهبی پای‌بند کرد و بین شیعه و سنی پیوند داد و در برابر حمله‌های افراد متعصب و منافق که مدت‌ها پیش به شیعیان وارد می‌آوردند ایستادگی کرد (صدرالافاضل، ۱۳۷۴: ۲۵۰-۲۵۱). نواب آصف‌الدوله<sup>۱</sup> بنا به پیشنهاد سید دلدارعلی، اماکن مقدس نجف و کربلا را با هزینه‌ای هنگفت مرمت، و به مدارس و طلاب نیز کمک کرد. سید دلدارعلی کتاب‌خانه بزرگی تأسیس کرد و به تعمیر مساجد پرداخت تا آنجا که دو مسجد به نام او شهرت دارد؛ یکی در نصیرآباد و دیگری در لکهنو. ساختمان حسینیه‌ای که در لکهنو و نصیرآباد ساخته است هنوز باقی است. تعمیر روضه مقدس امام حسین را در کربلای معلا با کمک مالی نواب اوده<sup>۲</sup> انجام داد. وی با حفر چاه در زمین شخصی به تأمین رفاه مردم کمک کرد (همان).

## ۲. آثار کلامی سید دلدارعلی

تألیفات کلامی وی را با توجه به پرداختن به تمام مباحث کلامی یا بخشی از آن، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: تک‌نگاری‌های غیرجامع و تألیفات جامع.

### ۲. ۱. تألیفات غیرجامع

تألیفات غیرجامع سید دلدارعلی در کلام بیشتر معطوف به کتاب *تحفه اثنی عشریه*، اثر شاه‌عبدالعزیز دهلوی است. پس از انتشار این کتاب ضدشیعی و به‌راه‌افتادن موج تهمت‌ها و افتراات به سمت شیعه، نگارش ردیه‌ای محکم و قوی بر این کتاب و پاسخ به ادعاها و اتهام‌زنی‌های عبدالعزیز دهلوی در *تحفه*، ضروری می‌نمود. در این زمان

اندیشمندان امامیه ردود مفصلی در نقد بر این کتاب ضدشيعی نگاشتند. سید دلدار علی بر چندین باب از این کتاب به زبان فارسی ردیه نوشته است (امامی خوبی، ۱۳۸۵: ۱۱۲۷/۲). ردیه‌های وی بر *تحفة اثنی عشریة* عبارت‌اند از: *الصوارم الالهيات فی قطع شبهات عابدى العزى واللکات* در رد باب الاهیات (آقابرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۹۲/۱۵)، *حسام الاسلام و سهام الملام* در رد باب نبوت (همان: ۱۲/۷)، *خاتمة الصوارم الالهيات* در رد باب امامت (همان: ۱۳۲/۷)، *رساله غیبت* در رد طعن‌هایی که بر غیبت امام دوازدهم کرده (همان: ۸۲/۱۶)، *احیاء السنة و امامة البدعة بطعن الالسنة* در رد باب معاد و رجعت (همان: ۳۰۹/۱) و *ذوالفقار* در رد باب تولد و تبراً (همان: ۴۴/۱۰؛ امین، ۱۴۰۳: ۴۲۶/۶).

سید دلدار علی کتاب *ذوالفقار* را پیش از دیگر مجلّدات تألیف کرده بود. وی این کتاب را به همراه بحث عدالت کتاب *عماد الاسلام* به واسطه شخصی به نام سید میرهاشم علی رضوی برای عبدالعزیز دهلوی، صاحب کتاب *تحفة اثنی عشریة*، فرستاد. با وجود آنکه عبدالعزیز دهلوی تا مدت‌ها پس از دریافت کتاب زنده بود جوابی نفرستاد (برخی از شاگردان غفران‌مآب، ۱۳۹۴: ۱۹۹/۱).

یکی دیگر از اقدامات علمی سید دلدار علی، مقابله شدید وی با جریان صوفیه است. خرافات صوفیان سبب شده بود مردم از احکام اسلام دور شوند و کسی جرئت مقابله با این خرافات را نداشت. وی با تألیف کتاب *شهاب ثاقب* و نگاشتن رساله‌ای با عنوان *الاسئلة السمعیة* (آقابرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۸۶/۲) و *الرد علی الصوفیة* (همان: ۲۰۶/۱۰) موفق شد پیری و مریدی و طلب حاجت کردن از صوفیان را از میان بردارد.

از دیگر آثار کلامی وی می‌توان به *رسالة فی فدک* (همان: ۱۲۹/۱۶) و *الاربعون حدیثا* اشاره کرد. احادیث این کتاب در فضیلت علم است که به همراه مقدمات هفت‌گانه‌اش، خود کتابی کلامی به شمار می‌آید (همان: ۴۱۵/۱). همچنین، وی اصول فقه و اجتهاد را توسعه داد و مذهب اخباری را باطل کرد (صدرالافاضل، ۱۳۷۴: ۲۴۱). یکی از مهم‌ترین تألیفات وی در این زمینه کتاب *اساس الاصول* است (آقابرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۴/۲). ابومحمد میرزا محمد بن عبدالنبی مشهور به اخباری (متوفای ۱۲۳۲ ه.ق.) ردیه‌ای به نام *معاول العقول فی قطع اساس الاصول* بر این کتاب نگاشت (همان: ۲۰۷/۲۱) که البته نام‌های دیگری همچون *قلع الاساس فی نقض اساس الاصول* (همان: ۱۶۶/۱۷) و *سیف الله المسلول علی مخربی دین الرسول* نیز برای این کتاب گزارش شده است (همان:

۲۸۸/۱۲). برخی از شاگردان سید دلدارعلی در پاسخ به آن، کتاب *مطارق الحق والیقین* لکسر *معاول الشیطان* را تألیف، و ضعف اعتراضاتش را تبیین کردند (همان: ۴/۲). سید سبط الحسین، یکی از نوادگان سید دلدارعلی، نیز در دفاع از جد خویش کتاب *عصب الله المصقول فی رد معاول العقول* را تألیف کرده است (همان: ۲۷۷/۱۵).

## ۲. ۲. جامع‌نگاری کلامی

کتاب *مرآة العقول* ملقب به *عماد الاسلام*، مفصل‌ترین اثر کلامی سید دلدارعلی است که به عربی و در رد کتاب *نهایة العقول* فخر رازی در پنج جلد نگاشته شده است. او در این کتاب به تمام مباحث کلامی پرداخته است. جلد اول تا پنجم این کتاب به ترتیب در باب توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد است (حسنی، ۱۳۸۲: ۱۷۰/۷).

جلد چهارم (امامت) مشتمل بر یک مقدمه، ۱۲ باب و یک خاتمه است. هر باب نیز مشتمل بر فصول مختلفی است. مقدمه کتاب در واژه‌شناسی و تعریف امامت (اعم از لغوی و اصطلاحی) است (نقوی، بی‌تا: ۱ الف). باب اول در دیدگاه مذاهب کلامی در وجوب امامت (همان: ۱ ب- ۱۲ ب)، باب سوم در مستمسک مخالفان و رد آن (همان: ۱۲ ب- ۱۴ ب)، باب چهارم در عصمت امام (همان: ۱۴ ب- ۲۰ ب)، باب پنجم در اعلمیت امام (همان: ۲۰ ب- ۲۳ الف)، باب ششم در افضلیت امام (همان: ۲۳ الف- ۲۷ ب)، باب هفتم در طریق تعیین امام (همان: ۲۷ ب- ۳۱ الف)، باب هشتم در تعیین امام حق بعد از رسول‌الله (همان: ۳۱ الف- ۳۲۳ ب)، باب نهم در مستمسک رازی بر امامت ابوبکر و رد آن (همان: ۳۲۳ ب- ۳۲۶ الف)، باب دهم در مطاعن ابوبکر (همان: ۳۲۶ الف- ۴۰۲ الف)، باب یازدهم در مطاعن عمر (همان: ۴۰۲ الف- ۴۴۷ ب)، باب دوازدهم در مطاعن عثمان (همان: ۴۴۷ ب- ۴۷۳ ب) و خاتمه در توبه طلحه، زبیر و عایشه است (همان: ۴۷۳ ب- ۴۸۱ الف).

سید دلدارعلی در این کتاب به نحوی در پرسش و پاسخ بررسی تام کرده است که مذهب مخالف او از این کتاب بیشتر از مصنفات اصحاب خود می‌تواند استفاده کند. وی در قسمت‌هایی که به رازی نقد داشته عین عبارت او را نقل کرده و با براهین عقلی و نقلی کمر همت به نقض آن بسته است. یکی از امتیازات کتاب وی بر کتاب فخر رازی، احتجاجات فراوان به آیات و احادیث و مقرون‌بودن ادله عقلی با براهین نقلی



است، در حالی که کتاب رازی از این فضیلت بی‌نصیب مانده است. وی همچنین در بسیاری از مباحث، همچون مبحث عدالت و امامت، وجوهی را که مستمسک اهل مذهب رازی است، از کتب دیگران آورده و به آن ضمیمه کرده و سپس در مقام رد آن برآمده است.

با وجود اهمیت این کتاب متأسفانه هنوز کار تحقیق و تصحیح آن صورت نگرفته است. نسخه‌هایی از آن در کتاب‌خانه غفران‌مآب (لکهنو به شماره ۱۹۹ و ۲۲۵ مبحث امامت)، و تصویری از آن در مجمع ذخائر اسلامی (قم) و کتاب‌خانه ممتاز العلماء (شامل جلد‌های اول و دوم و پنجم به شماره‌های ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۱۲ و ۶۵) و کتاب‌خانه راجه محمودآباد به شماره ۹۸ کلام، و دارالعلم آیت‌الله خویی در نجف و تصویری از آن در مرکز احیای میراث اسلامی، و کتاب‌خانه آستان قدس رضوی (به شماره ۴۸ و ۴۹ و ۶۳) و کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی (بدون شماره، شامل همگی مجلّات کتاب)، و کتاب‌خانه آیت‌الله گلپایگانی (به شماره ۲۳/۱۰) بخش امامت، و کتاب‌خانه مفتاح (تهران به شماره ۱۵۷/۲) موجود است (برخی از شاگردان، ۱۳۹۴: ۲۹۰/۱). این تحقیق بر اساس نسخه خطی کتاب‌خانه غفران‌مآب (لکهنو به شماره ۱۹۹) است که نگارنده تصویر آن را از بنیاد امامت قم دریافت کرده است.

**۳. روش‌شناسی کلامی سید دلدارعلی در تبیین امامت بر اساس کتاب عماد الاسلام**  
غایت علم کلام، استنباط عقاید و دفاع از آنها است. از این‌رو مراد از روش‌شناسی علم کلام، بررسی راه‌هایی است که متکلم را به استنباط عقاید و دفاع از آنها می‌رساند. متکلم در مقام استنباط به آموزه‌های کلامی دست می‌یابد و در مقام دفاع، آن آموزه را تبیین، تنظیم و اثبات می‌کند و سپس به رد عقاید معارض دین و همچنین رد شبهات می‌پردازد. بنابراین، متکلم بعد از رسیدن به معرفت صحیح از آموزه‌های دین، در مقام دفاع پنج کار مهم بر عهده دارد (برنجکار، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۲). این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که: روش‌های کلامی سید دلدارعلی نقوی در مقام تبیین امامت چیست؟

چنان‌که قبلاً بیان شد، یکی از مهم‌ترین وظایف متکلم تبیین آموزه‌های اعتقادی است. مراد از تبیین، آن است که متکلم با استفاده از روش‌های مختلف گزاره اعتقادی را توضیح دهد، به گونه‌ای که مخاطب تصویری روشن و واضح از آن آموزه اعتقادی

پیدا کند و ابهاماتش رفع شود. سید دلدارعلی در مقام تبیین امامت از روش‌های متنوعی استفاده کرده است. در ادامه، این روش‌ها را بر اساس نسخه خطی کتاب *عماد الاسلام*، دسته‌بندی خواهیم کرد.

### ۳. ۱. روش تعریف مفردات

برای تبیین هر مسئله در گام نخست باید به توضیح اجزا و مؤلفه‌های آن پرداخت و با بیان معنای اجزای هر مسئله و داشتن درک صحیح از موضوع و محموله آن گزاره را به‌خوبی تبیین و تشریح کرد (همان: ۱۵۱). این کار هم ابهام‌های پیرامون مسئله را رفع می‌کند و هم تبیین را سهولت می‌بخشد و هم تصور صحیح و درک‌پذیری برای مخاطب فراهم می‌آورد. از این‌رو یکی از شایع‌ترین روش‌هایی است که متکلمان برای تبیین مسائل کلامی از آن استفاده می‌کنند. با مراجعه به کتاب *عماد الاسلام* سید دلدارعلی می‌توان مصادیق این روش را یافت.

وی در باب امامت به تعریف لغوی و اصطلاحی «امام» می‌پردازد و در تعریف معنای لغوی «امام» می‌گوید «امام» از نظر لغت عبارت از هر کس یا هر چیزی است که در کارها به او اقتدا می‌شود و در تعریف اصطلاحی «امام» می‌نویسد: «هو الانسان الذی له الرئاسة العامة فی امور الدین والدنیا بالاصالة فی دار التکلیف». سپس اقوال متعدد در تعریف اصطلاحی امام را بیان می‌کند و در آخر تمام اجزای تعریف مد نظر خویش را توضیح می‌دهد و می‌گوید با قید «انسان»، امامت ملک یا جن اگر ممکن باشد خارج می‌شود، یا اینکه قید مزبور بیانگر آن است که امام در هر عصر و زمانی یکی بیش نیست. بدین ترتیب اجماع مصطلح اهل سنت از تعریف خارج می‌شود. با قید «عامه» رهبری‌های محدود مثل رهبری قاضی و مانند آن از تعریف خارج می‌شود. با قید «دین» و «دنیا»، امامت در امور دنیوی صرف (مانند حاکمیت سلاطین) یا امامت در امور دینی صرف (مانند قضاوت) خارج می‌شود. و قید «بالاصالة» برای آن است که رهبری کسانی که امام آنان را به رهبری در اموری برمی‌گزینند از تعریف خارج شود. وی بعد از بیان اجزای تعریف، مراد خود از «امام» را این‌گونه بیان می‌کند: «هو الشخص الذی یکون وجوب امثاله علی امة نبینا بعد وفاته کوجوب امثاله» (نقوی، بی‌تا: ۱ ب).

در جای دیگر، نص جلی و خفی را تعریف می‌کند و می‌گوید نص جلی آن است

که از آن قطع و یقین حاصل شود که مراد از آن، امامت حضرت علی است و جای انکار برای کسی نباشد. یعنی به‌ضرورت، بر معنا و مراد دلالت دارد. این قطع گاهی با مجرد نظر به الفاظ نص حاصل می‌شود و گاهی با ضمائم و قرائن واضح، مانند اینکه فرمود: «سلموا علی علیّ بامرة المؤمنین و هذا خلیفتی فیکم من بعدی فاسمعوا له و اطیعوا»، یا «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». اما نص خفی درباره آیات و روایاتی است که از آن قطع و یقین به امامت حضرت علی حاصل نمی‌شود. لذا برای اثبات امامت از آن نص، نیازمند انضمام قرائن خفیه و مقدمات طولانی هستیم. مثل «علی منی و انا منه» و «علی مع الحق والحق مع علی» (همان: ۳۱ الف). با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت وی ملاک تفاوت نص خفی و جلی را قطع‌آور بودن یا نبودن نص نسبت به امامت حضرت می‌داند نه تصریح‌شدن یا نشدن به اسم.

### ۳.۲. روش ذکر تاریخچه

گاهی صرفاً با بیان تعریف مفردات نمی‌توان بحث را روشن کرد، بلکه باید به تاریخچه بحث نیز اشاره شود. بیان تاریخچه و ذکر اقوال مختلف یکی دیگر از راه‌هایی است که با آن می‌توان اطلاعات جامعی را در اختیار مخاطب قرار داد و او را با فضای بحث آشنا کرد. در این روش، علاوه بر تبیین خوب و روشن‌شدن دیدگاه متکلم در مقایسه با دیگر دیدگاه‌ها، زمینه‌دآوری و رد یا قبول آموزه نیز فراهم می‌شود. مخاطب می‌تواند دیدگاه متکلم را با دیدگاه‌های دیگری که بیان شده است مقایسه کند و پس از روشن‌شدن ضعف هر یک، دیدگاه صحیح را انتخاب کند (برنجکار، ۱۳۹۳: ۱۵۳). سید دلدار علی در بیان مباحث کلامی از این روش استفاده کرده است. وی قبل از بیان دیدگاه خود به دیگر دیدگاه‌ها اشاره کرده و تاریخچه‌ای از اقوال متکلمان را حول آن مسئله بیان کرده است. با این کار به تمرکز مخاطب و قدرت تفکر بر روی مسئله، کمک بسزایی می‌شود. مثلاً در بحث وجوب امامت، نظر مذاهب مختلف را بیان می‌کند و می‌گوید ابوبکر اصم و هشام فوطی و همچنین فرقه نجدات (پیروان نجدة بن عامر) از خوارج، به وجوب‌نداشتن امامت اعتقاد دارند. با این تفاوت که خوارج اصلاً به وجوب امامت اعتقاد ندارند؛ ابوبکر اصم فقط در صورتی وجود امام را لازم می‌داند که ظلم و جور بر جامعه حاکم باشد؛ اما هشام فوطی در زمانی که عدل و انصاف بر جامعه

حاکم، و زمینه برای فعالیت امام مهیا باشد وجود او را لازم و ضروری می‌شمرد. این در حالی است که تقریباً همه مذاهب و متکلمان اسلامی، امامت را واجب می‌دانند، اگرچه در عقلی یا نقلی بودن وجوب امامت و اینکه این وجوب علی‌الناس است یا علی‌الله اختلاف نظر دارند. اشاعره و ماتریدیه این وجوب را سمعی و علی‌الناس می‌دانند، اما معتزله و زیدیه، عقلی. در میان معتزله جاحظ، کعبی و خیاط این وجوب را عقلی و سمعی دانسته‌اند. امامیه و اسماعیلیه این وجوب را عقلی و علی‌الله ذکر کرده‌اند، با این تفاوت که متکلمان امامیه امامت را به سبب حفظ قوانین شرع از تغییر به زیادت و نقصان واجب دانسته‌اند، اما از نظر اسماعیلیه فلسفه وجوب امامت، تعلیم معرفت خداوند به بشر است (نقوی، بی‌تا: ۱ ب).

در باب عصمت امام نیز می‌گوید در میان مذاهب اسلامی، امامیه و اسماعیلیه عصمت را از صفات اساسی امام می‌دانند، در حالی که مذاهب دیگر لزوم چنین صفتی را برای امام انکار کرده‌اند (همان: ۱۴ ب).

در باب راه تعیین امام نیز اقوال مختلف را ذکر می‌کند و آگاهی کافی و دقتی از مسئله و فضای بحث به مخاطب می‌دهد. وی می‌گوید متکلمان مسلمان فقط سه راه برای تعیین امام مطرح کرده‌اند: نص، انتخاب و دعوت. گاه شخص پیامبر کسی را به عنوان امام پس از خود به مسلمانان معرفی می‌کند. گاه مسلمانان به اتفاق کسی را به امامت خود برمی‌گزینند و گاه نیز شخصی خود مدعی امامت می‌شود و دیگران را به پیروی از خود فرا می‌خواند. در ادامه می‌گوید طریق نص برای تعیین امام محل اتفاق مذاهب اسلامی است، اگرچه در وجود نص اختلاف دارند. امامیه تنها راه تعیین امام را تنصیب می‌دانند و راه‌های دیگر را نادرست می‌شمردند. اشاعره، معتزله، خوارج و فرقه صالحیه از زیدیه، چون منکر وجود نص درباره امام هستند، انتخاب و بیعت را راهی مناسب و درست برای تعیین امام می‌دانند. از میان راه‌های بیان‌شده، زیدیه بر آنند که اگر شخصی قیام، و مردم را به سوی خود دعوت کرد با این دعوت امامت برای او منعقد می‌شود. این دیدگاه مقبول مسلمانان نیست و آن را نقد و رد می‌کنند. تنها کسی که با آنان موافقت کرده است جبایی است. همچنین، از کلام فخر رازی نیز تأیید چنین روشی استفاده می‌شود. زیرا او قهر و استیلا را نیز از راه‌های تحقق امامت می‌داند و معتقد است اگر کسی با قدرت، دیگران را مقهور خود کرد، هرچند فاسق یا جاهل

باشد، علی‌الظاهر خلافت برایش منعقد می‌شود و تا زمانی که با شرع مخالفت نکرده، اطاعت از او واجب است (همان: ۲۷ ب).

سید دلدار علی در بحث نص نیز به تفصیل مذاهب پرداخته است. بنا بر گزارش وی، اکثریت قاطع اشاعره، معتزله، خوارج و مرجئه بر آنند که نصی از حضرت رسول درباره کسی به عنوان امام صادر نشده است. در این میان بکریه (گروهی از محدثان و ظاهرگرایان اهل سنت) معتقدند پیامبر ابوبکر بن ابی‌قحافه را برای جانشینی بعد از خود تعیین کرده است. از این رو آیات و روایاتی را به عنوان نصوص برای خلافت ابوبکر و دو خلیفه پس از وی نقل کرده‌اند. این عقیده به حسن بصری نیز نسبت داده شده است، با این تفاوت که بکریه قائل به نصّ جلی هستند، اما حسن بصری قائل به نصّ خفی است. قائلان به امامت عباس بن عبدالمطلب نیز بیشتر بر وراثت تأکید کرده‌اند و نصّی در باب امامتش ذکر نکرده‌اند.

امامیه و زیدیه در اصل وجود نصّ بر امامت علی بن ابی طالب مشترک‌اند، اما در جلی و خفی بودن آن اختلاف دارند. امامیه نصّ جلی و خفی را درباره امامت حضرت بیان می‌کند، در حالی که زیدیه فقط قائل به نصّ خفی است. بنا بر گزارش سید دلدار علی از الشافعی سید مرتضی، گروه اندکی از امامیه، مذهب زیدیه را برتافته و فقط نصّ خفی را پذیرفته‌اند (همان: ۳۱ الف).

بدین ترتیب سید دلدار علی، در مباحث کلامی مذکور، تاریخچه‌ای از اقوال متکلمان را بیان می‌کند. در حقیقت، با این کار، علاوه بر روشن‌تر شدن ادعای متکلم، تمرکز مخاطب بر مسئله را افزایش می‌دهد و قدرت تفکر او را بیشتر می‌کند.

### ۳.۳. روش ذکر مبانی

گاهی صرفاً نقل اختلاف اقوال برای روشن‌شدن بحث کافی نیست و باید به مبانی و ریشه‌های بحث نیز اشاره شود؛ زیرا اختلاف دیدگاه‌های متکلمان، در اختلاف آنان در مبانی‌شان ریشه دارد. همچنین، باید توجه داشت که برخی از مباحث کلامی مبنا بر برخی مباحث دیگر به حساب می‌آید. لذا برای تبیین بهتر و رساندن مخاطب به تصور صحیح از مسئله باید مبانی و سرچشمه‌های آن مسئله را بیان کرد. گاه ندانستن مبانی و ریشه‌ها باعث درک نادرست مسئله می‌شود (برنجکار، ۱۳۹۳: ۱۵۳). علاوه بر مسائلی که

ذکر شد، می‌توان گفت آگاهی از مبانی مخاطب، کار اثبات را برای متکلم آسان می‌کند و موجب می‌شود راحت‌تر بتواند مدعای خویش را برای مخاطب اثبات کند. همچنین، در بحث رد دیدگاه‌های مختلف نیز می‌تواند مؤثر باشد.

سید دلدارعلی در بحث حجیت اجماع به مبنای امامیه اشاره می‌کند و می‌گوید مبنای حجیت اجماع در امامیه در صورتی است که اجماع شامل شخص معصوم باشد (نقوی، بی‌تا: ۳۶ الف).

### ۳.۴. روش ذکر لوازم

بیان لوازم و پیامدهای معتقدبودن یا نبودن به آموزه‌ای اعتقادی نیز از اموری است که در روشن‌شدن مسئله نقش ایفا می‌کند (برنجکار، ۱۳۹۳: ۱۵۵). بنا بر گزارش سید دلدارعلی در باب ضرورت امام، متکلمان امامیه بر آنند که امامت، واجب و ضروری است و ضرورتش عقلی است. یعنی اگر شریعت اسلام در این باره حکمی نداشت و سنت مسلمانان فراروی ما نبود باز ضرورت امامت را درک می‌کردیم. وی در ادامه برای تبیین ضرورت امامت به لوازم آن اشاره می‌کند و می‌گوید بشر مدنی بالطبع است و باید به صورت اجتماعی زندگی کند. از طرفی در او غرایز حیوانی و تمایلات فراوانی وجود دارد و به دلایل مختلف وراثتی، اقلیمی، اجتماعی و تربیتی از دل‌بستگی‌ها، منش‌ها، بینش‌ها و گرایش‌های فکری متفاوتی برخوردار است. هر گاه غرایز و تمایلات بر عقل غالب گردد و یا هر شخصی بخواهد بر اساس عقیده، سلیقه و یا منفعت خود تصمیم بگیرد تفرقه و تشتت پدید می‌آید. حریم قانون نقض و به حقوق دیگران تجاوز می‌شود و در نتیجه، عدالت اجتماعی نقض می‌گردد. چه بسا در مواردی این اختلافات به جنگ، قتل انسان‌ها و تلف‌شدن اموال آنان بینجامد. از این‌رو بعد از پیامبر و در هر زمانی باید فصل‌الخطابی باشد تا به او مراجعه شود و اگر این نباشد امت همیشه در خطا خواهد بود (نقوی، بی‌تا: ۲ الف).

سید دلدارعلی با ذکر پیامدهای تعیین‌نشدن امام، از ضرورت تعیین امام از جانب خدا تبیین روشنی به دست داده است. وی همچنین در جواب به شبهه فخر رازی در بحث عصمت پاسخ‌هایی را مطرح می‌کند که یکی از آنها به لوازم و پیامدهای دیدگاه فخر رازی اشاره دارد. سید دلدارعلی می‌گوید شما جایز می‌دانید که علم امام از بعضی

مردم کمتر باشد. از آنجایی که حکم اعلم در آنچه دیگران به آن جاهل‌اند نافذ است، پس لازمه حرف شما نافذدانستن حکم غیرامام بر امام است. حال آنکه این مطلب بر مسلک شما صحیح نیست و حکم غیرامام را بر امام نافذ نمی‌دانید. پس اگر فقط حکم امام بر دیگران نافذ است او باید نسبت به دیگران اعلم و معصوم باشد (نقوی، بی‌تا: ۱۵ الف). در اینجا نیز سید دلدارعلی با ذکر پیامد اعلم‌نبودن امام بر دیگران به‌راحتی اعلمیت امام، نافذبودن حکمش بر غیر و در نتیجه معصوم‌بودنش را تبیین کرده است.

سید دلدارعلی در جای دیگری به پیامدهای وجود دو امام در یک زمان اشاره می‌کند و می‌گوید اگر دو امام واجب‌الاطاعه داشته باشیم که هیچ‌کدام در فرمان‌برداری مقدم بر دیگری نباشند بین مردم اختلاف به وجود خواهد آمد. در ضمن هر کس مطیع یکی از آن دو باشد نسبت به دیگری نافرمان است. در نتیجه تمام مردم روی زمین معصیت‌کار خواهند بود و با این وضع راهی به اطاعت و ایمان نخواهند داشت. همچنین، اگر دو امام وجود داشته باشد دو نفر که با هم اختلاف دارند می‌توانند به امام خویش مراجعه کنند و هر کدام از آن دو درباره نزاع، حکمی مخالف با حکم دیگری کند که هیچ‌کدام مزیتی بر دیگری در پیروی و اطاعت ندارد. در این صورت احکام و حدود از میان می‌رود. پس جایز نیست در زمین، دو امام یا بیشتر در یک زمان وجود داشته باشد (همان: ۱۰ ب).

### ۳.۵. روش ذکر احتمالات و انتخاب احتمال درست

گاهی اوقات احتمالات مختلفی که درباره آموزه‌ای اعتقادی وجود دارد باعث می‌شود مخاطب نتواند موضوع را به‌درستی تصور کند. در چنین مواقعی متکلم باید پس از بیان احتمالات، احتمال درست را انتخاب کند (برنجکار، ۱۳۹۳: ۱۵۶). بیان احتمالات مختلف در مسئله‌ای کلامی موجب وسعت دامنه ذهن مخاطب می‌شود و تبیین نادرست را از ذهن مخاطب دور می‌کند. سید دلدارعلی وقتی با آموزه‌ای روبه‌رو می‌شود که درباره آن احتمالات مختلفی وجود دارد، نخست احتمالات مختلف را برمی‌شمرد و سپس احتمال درست را انتخاب، و با دلیل، آن را تبیین می‌کند. از باب نمونه، در بیان اثبات وجوب عقلی امامت (نقوی، بی‌تا: ۱۱۵ الف/ب) یا امتناع تعدد ائمه در عصر واحد از این روش استفاده کرده است (همان: ۱۰ ب).

### ۳.۶. روش مطرح کردن پرسش

یکی از روش‌های تبیین غیرمستقیم، مطرح کردن پرسش است. گاه متکلم با مطرح کردن پرسش، زمینه تفکر و پی بردن به پاسخ را برای مخاطب فراهم می‌کند. هرچند این روش کاربرد چندانی ندارد، اما گاه از تبیین مستقیم مفیدتر و کارآمدتر است (همان: ۱۵۷).

سید دلدارعلی در باب ضرورت امام، راه اثبات وجوب نصب امام را همانند راه اثبات وجوب بعثت بیان کرده است. وی بعد از بیان ویژگی‌های انسان و اهداف امامت این پرسش را مطرح می‌کند که آیا بین حسن بعثت و حسن نصب امام یا قبح ترک بعثت و قبح ترک نصب امام تفاوتی وجود دارد؟ (نقوی، بی تا: ۲ الف). وی با بیان این پرسش به مخاطبان این توجه را می‌دهد که فرقی بین راه اثبات وجوب نصب امام و نبی وجود ندارد.

### ۳.۷. روش ذکر مثال و تشبیه

چون ذهن انسان با جزئیات و محسوسات انس بیشتری دارد و ادراک این امور برای او آسان‌تر است، متکلم مسئله‌ای را که برای مخاطب سخت و پیچیده است با مثالی همراه می‌کند تا مخاطب به خوبی مقصود را دریابد. در این روش متکلم چیزی را که در صدد معرفی‌اش برآمده است به چیز دیگری که مخاطب با آن آشنایی دارد تشبیه، و بدین وسیله مسئله مد نظر را تبیین می‌کند. شرط اساسی استفاده از این روش آن است که «مشبهه» دارای وجه شبهی باشد که کاملاً نزد مخاطب معلوم است (مظفر، ۱۳۷۶: ۱۰۵).

وی در تبیین وجوب نصب امام بر خداوند و اینکه امام باید عالم به کل دین باشد و به آنچه در امامتش به آن نیاز دارد علم داشته باشد می‌گوید نصب امام از طرف خدا مانند نصب جانشینی از جانب والی یک ناحیه یا مسئول یک گروه است. وقتی حکمی از احکام گروهی به دست حاکمی است و اجرای آن حکم به مصلحت و دست نگه داشتن از آن به ضرر مردم است، اگر خود حاکم مستقیماً اجرای آن حکم را به عهده نمی‌گیرد روا نیست شخص شایسته‌ای را بر آن نگمارد. پس، از یک طرف باید کسی را در میان مردم برای برپایی این امور انتخاب کند و از طرف دیگر شایسته نیست اجرای امور مردم را به دست شخصی بسپارد که آگاهی لازم از آن ندارد. زیرا هر گاه آن حاکم



چنین کند مملکتش را ضایع کرده و به مردم خسارت رسانده و لذا مستحق ذم است. یا مثلاً شخصی برای یاد دادن سوره حمد به بچه‌ها انتخاب شود که خود عالم به الفاظ آن سوره نباشد یا شخصی برای آموزش کتابت معین شود که خود راجع به آن آگاهی لازم را ندارد. پس امام باید به آنچه در امامتش به آن نیاز دارد علم داشته باشد، زیرا او بدون آگاهی از آنها نمی‌تواند امامت کند (نقوی، بی‌تا: ۲۱ الف).

وی درباره‌ی فضیلت، به عنوان یکی از بایستگی‌های امامت، می‌نویسد از نظر عقل، امامت مفضول بر افضل قبیح و مردود است. سپس برای تبیین مسئله مثالی می‌آورد و می‌گوید هیچ کس نمی‌پذیرد مبتدی در فقه را بر کسانی مانند ابوحنیفه مرجح بشمرند. پس در این صورت پیشوای دیگران باید بر آنان برتری داشته باشد (همان: ۲۳ ب).

### ۳. ۸. روش ذکر فواید و کارکردها

ذکر فواید و کارکردهای هر آموزه یکی از راه‌های تبیین آن است. روشن کردن فایده‌ها و پیامدهای مثبت هر آموزه، در فهم آموزه مؤثر است و فهم آن را بهتر و عمیق‌تر می‌کند. سید دلدار علی با بیان فواید و کارکردهای امام، آموزه امامت را تبیین کرده است. او یکی از کارکردهای امام را حفظ شریعت و بیان تفصیل آن دانسته و تحقق آن را منحصر در وجود امام معصوم می‌داند.

همچنین، یکی دیگر از کارکردهای زمامدار باکفایت و عدالت‌پیشه را حفظ نظام اجتماعی مسلمانان و برقراری عدالت اجتماعی بیان می‌کند. از آنجا که در وجود انسان علاوه بر عقل، تمایلات و غرایز حیوانی وجود دارد و هر گاه غرایز بر عقل غلبه کند انسان حریم قانون را نقض و به حقوق دیگران تجاوز می‌کند، لذا امامی که پیروی از او بر دیگران واجب است با متخلف به گونه‌ای مناسب رفتار می‌کند و از بروز اختلال در نظم اجتماعی جلوگیری، و عدالت اجتماعی را محقق می‌کند.

همچنین، اجرای حدود الاهی را از جمله کارکردهای امام برشمرده است. در شریعت اسلامی برای برخی از گناهان مانند سرقت، زنا و ... حدودی مقرر شده تا با اجرای آن از ترویج چنین مفساد اجتماعی‌ای جلوگیری شود. البته باید توجه داشت که اجرای حدود در صورتی مانع بروز و گسترش مظالم می‌شود که امام آن را اجرا کند. در غیر این صورت هرج و مرج و آشفتگی بر جامعه حاکم خواهد شد (همان: ۱۲ ب).

اتمام حجت بر مکلفان را نیز به عنوان یکی دیگر از کارکردهای امامت بیان کرده تا، به گفته وی، کسی نتواند بر خداوند احتجاج کند که او را بدون حجت الهی رها کرده است (همان: ۳ الف).

### ۳. ۹. روش استفاده از روایات

منابع روایی نیز ممکن است متکلم را در تبیین آموزه‌های اعتقادی یاری کند. سید دلدارعلی در تبیین مسائل کلامی به روایات استناد کرده و با استفاده از روایات آن مباحث را روشن کرده است. وی بعد از بیان ادله عقلی وجوب نصب امام بر خداوند، مجموعه‌ای از روایات ائمه علیهم‌السلام مرتبط با این مبحث، را برمی‌شمرد، از جمله: امام رضا در پاسخ به این پرسش که چرا خداوند امام را نصب، و اطاعت از او را واجب کرده است، فرمود: «این قانون الهی علت‌های بسیار دارد». آنگاه سه علت را بیان فرمودند: ۱. نظم، امنیت و عدالت اجتماعی؛ ۲. اجرای احکام و حدود؛ ۳. حفظ شریعت. نیز حدیث مفصلی که کلینی از مناظره هشام بن حکم با عمرو بن عبید درباره امامت گزارش کرده یا حدیث دیگری که حضرت بر حفظ شریعت تأکید می‌کند و می‌فرماید زمین هرگز از وجود حجت خدا خالی نخواهد بود تا اگر چیزی از دین کم شد امام آن را تمام کند و اگر چیزی به دین اضافه شد امام آن را رد کند (همان: ۳ الف و ب).

همچنین، در این باره که امام باید از آحاد امت اسلامی و همگنان خود برتر باشد تا شایسته رهبری بر آنان شود نیز روایاتی گزارش کرده است. از باب نمونه اینکه حضرت با کمال صراحت بر فضیلت خود تأکید می‌کند و می‌فرماید با اینکه من از ابوبکر و عمر برای خلافت شایسته‌تر بودم ولی دیدم اگر ساکت نباشم و اطاعت نکنم مردم به طرف کفر باز می‌گردند و ملت گرفتار اختلاف و جنگ داخلی خواهند شد. یا حدیث دیگری که حضرت علی علیه‌السلام اقدام خلیفه دوم مبنی بر ترکیب شورای شش نفره و ترجیح دادن آنان بر وی را نقد کرد و در ادامه برخی از خصوصیات و امتیازات خود در اسلام و نزد رسول‌الله را برشمرد و آنان را به دلیل اقدام اشتباهشان سرزنش کرد (همان: ۲۴ ب و ۲۵ الف).

وی در فصل سوم کتاب *عماد الاسلام* نیز اخبار مربوط به سقیفه را گزارش کرده است (همان: ۸۱ ب).

## نتیجه

«استنباط» و «دفاع از عقاید دینی» از وظایف اصلی متکلم محسوب می‌شود و هر یک از این دو مرحله روش‌های مخصوص خود را دارد. سید دلدار علی نقوی در کتاب عماد الاسلام، که مفصل‌ترین اثر کلامی او است، در مقام تبیین مسئله امامت از روش‌های متعددی استفاده کرده است. مثلاً وی در تعریف امامت و تعریف نص جلی و خفی تمام اجزای تعریف مد نظر خویش را توضیح داده است؛ در مسئله وجوب امامت، عصمت، راه‌های تعیین امام و وجود یا فقدان نص، تاریخچه‌ای از اقوال متکلمان را بیان کرده است؛ در بحث حجیت اجماع و وجوب امامت، مبانی و سرچشمه بحث را ذکر کرده و با بیان لوازم و پیامدهای تعیین‌نشدن امام از جانب خدا، معصوم‌نبودن امام و وجود دو امام در یک زمان آگاهی کافی راجع به مسئله داده است. همچنین، در تبیین وجوب نصب امام بر خداوند و اینکه امام باید عالم به کل دین و افضل از مردم باشد از روش ذکر مثال و تشبیه استفاده کرده و با ذکر فواید و کارکردهای امامت به تبیین آن پرداخته و در موضوعات مختلف، از جمله وجوب نصب امام و امامت حضرت علی علیه السلام از منابع روایی بهره برده است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. وی چهارمین نواب اوده است. آصف‌الدوله در زمانی که پدرش زنده بود ولی‌عهد او شد و پس از او جانشین پدر گردید. آصف‌الدوله پایتخت خود را از فیض‌آباد به لکهنو منتقل کرد (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۷۵).
۲. تاریخ اوده در دوره گورکانیان را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: در دوره اول حکام اوده از طریق پادشاه گورکانی یا کمپانی هند شرقی مشخص می‌شدند که به آنها نواب اوده گفته می‌شود. نام نواب اوده و تاریخ جلوس آنها بدین قرار است: سعادت‌علی خان (۱۱۳۲-۱۱۵۱)، صفدر جنگ (۱۱۵۱-۱۱۶۶)، شجاع‌الدوله (۱۱۶۶-۱۱۸۸)، آصف‌الدوله (۱۱۸۸-۱۲۱۲)، وزیرعلی (۱۲۱۲-۱۲۱۲)، سعادت‌علی (۱۲۱۲-۱۲۲۹) و غازی‌الدین حیدر (۱۲۲۹-۱۲۳۴). اما در دوره دوم حکام رسماً از جانب کمپانی هند شرقی عنوان «پادشاهی» می‌گرفتند (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۷۲-۱۸۶).

## منابع

- آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق (۱۳۸۷). *نجوم السماء فی تراجم العلماء: شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هجری قمری، تصحیح: هاشم محدث، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.*
- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۴۰۳). *الذریعة الی تصانیف الشیعة، گردآورنده: احمد بن محمد حسینی، بیروت: دار الأضواء، الطبعة الثالثة.*
- امامی خویی، محمد امین (۱۳۸۵). *مرآة الشرق، تحقیق و تصحیح: علی صدراپی خویی، قم: کتاب‌خانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.*
- امین، سید محسن (۱۴۰۳). *اعیان الشیعة، تحقیق: سید حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، الطبعة الاولى.*
- برخی از شاگردان غفران‌مآب (۱۳۹۴). *آیینة حق‌نما، تحقیق: علی فاضلی، قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، چاپ اول.*
- برنجکار، رضا (۱۳۹۳). *روش‌شناسی علم کلام اصول استنباط و دفاع در عقاید، تهران: سمت و پژوهشگاه قرآن و حدیث مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.*
- ثبوت، اکبر (۱۳۸۰). *فیلسوف شیرازی در هند، تهران: هرمس، چاپ اول.*
- حسینی، عبدالحی (۱۳۸۲). *نزهة الخواطر و بهجة المسامع والنواظر، حیدرآباد: مطبعة مجلس؛ دائرة المعارف العثمانية، الطبعة الثانية.*
- حسینی رضوی عظیم‌آبادی، سید مهدی بن نجف علی (۱۳۸۹). *تذکرة العلماء المحققین فی آثار الفقهاء والمحدثین، تصحیح: علی فاضلی، قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، چاپ اول.*
- رحمان علی، محمد عبد الشکور بن علی (۱۳۹۱). *تحفة الفضلاء فی تراجم الکملاء: تذکرة علمای هند، قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی.*
- صدرالافاضل، سید مرتضی حسین (۱۳۷۴). *مطلع انوار: احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند، ترجمه: محمد هاشم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.*
- کنتوری، اعجاز حسین بن محمد قلی (۱۴۰۹). *کشف الحجب والاستار عن اسماء الکتب والاستفار، قم: کتاب‌خانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.*
- کنتوری، میرحامد حسین (۱۳۸۴). *شوارق النصوص، تصحیح: طاهر سلامی، قم: دلیل ما، چاپ دوم.*
- مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹). *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، تهران: کتاب‌فروشی خیام، چاپ سوم.*

درآمدی بر شخصیت و روش‌شناسی کلامی سید دلدار علی نقوی در تبیین امامت بر اساس کتاب عماد الاسلام / ۲۲۷

مظفر، محمدرضا (۱۳۷۶). المنطق، قم: سیدالشهداء، چاپ دوم.

نقوی لکهنوی، سید احمد (معروف به علامه هندی) (۱۳۸۹). ورثة الانبياء، تصحيح: علی فاضلی، قم:

مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، چاپ اول.

نقوی، سید دلدار علی (بی‌تا). عماد الاسلام، نسخه خطی کتاب‌خانه غفران‌مآب - لکهنو به شماره ۱۹۹،

مبحث امامت.

نقوی، سید علی محمد (۱۳۹۳). فقه و فقها در هند، دهلی‌نو: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات

بین‌المللی الهدی، چاپ اول.

هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳). تشیع در هند، ترجمه: آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر

دانشگاهی، چاپ اول.

## References

- Agha Bozorg Tehrani, Mohammad Mohsen. 1983. *Al-Zari'ah ela Tasanif al-Shia*, Collected by Ahmad ibn Mohammad Hoseyni, Beirut: Dar al-Azwa, Third Edition. [in Arabic]
- Amin, Seyyed Mohsen. 1983. *A'yan al-Shia (The Shiite Luminaries)*, Researched by Seyyed Hasan Amin, Beirut: Dar al-Ta'arof Publications, First Edition. [in Arabic]
- Azad Keshmiri, Mohammad Ali ibn Mohammad Sadegh. 2009. *Nojum al-Sama fi Tarajem al-Olama: Sharh Hal Olamay Shia Gharnhay Yazdahom wa Dawzadahom wa Sizdahom Hejri Ghamari (Stars of the Sky in the Biography of Scholars: Biography of Shiite Scholars of the Eleventh, Twelfth and Thirteenth Centuries AH)*, Edited by Hashem Mohaddeth, Tehran: International Publishing and Printing Company of the Islamic Propaganda Organization.
- Berenjkar, Reza. 2015. *Raweshshenasi Elm Kalam Osul Estenbat wa Defa' dar Aghayed (Methodology of Theology Principles of Inference and Defense in Ideas)*, Tehran: Quran and Hadith Research Institute for Research and Development of Humanities Center. [in Farsi]
- Emam Khoyi, Mohammad Amin. 2007. *Merat al-Shargh (Mirror of the East)*, Researched by Ali Sadrayi Khoyi, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Public Library. [in Arabic]
- Hallister, John Norman. 1995. *Tashayyu' dar Hend (Shiism in India)*, Translated by Azarmeydokht Mashayekh Fereydani, Tehran: Academic Publication Center, First Edition. [in Farsi]
- Hasani, Abdolhay. 1962. *Nozhah al-Khawater wa Bahjah al-Masame' wa al-Nawazer (Illuminations of Thoughts and the Joy of Ears and Eyes)*, Heydarabad: Parliament Press; The Ottoman Encyclopedia, Second Edition. [in Arabic]
- Hoseyni Razawi Azim Abadi, Seyyed Mahdi ibn Najaf Ali. 2011. *Tazkerah al-Olama al-Mohagheghin fi Asar al-Foghaha wa al-Mohaddethin (A Reminder of the Learned Scholars in the Works of Jurists and Hadith Scholars)*, Edited by Ali Fazeli, Qom: Shiite Bibliography Institute, First Edition. [in Arabic]
- Kontori, Ejaz Hoseyn ibn Mohammad Gholi. 1989. *Kashf al-Hojob wa al-Estar an Asma al-Kutub wa al-Asfar (Removing the Veil of the Names of Books)*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Public Library. [in Arabic]
- Kontori, Mir Hamed Hoseyn. 2006. *Shawaregh al-Nosus*, Edited by Taher Salami, Qom: Dalil Ma, Second Edition. [in Arabic]
- Modarres Tabrizi, Mohammad Ali. 1991. *Reyhanah al-Adab fi Tarajem al-Ma'rufin be al-Koniyah aw al-Laghab (Biographies of Those known by Their Surnames or Nicknames)*, Tehran: Khayyam Bookstore, Third Edition. [in Arabic]

- Mozaffar, Mohammad Reza. 1998. *Al-Mantegh (Logic)*, Qom: Seyyed al-Shohada, Second Edition. [in Arabic]
- Naghawi Lekhenwi, Seyyed Ahmad (Known as Allamah Hendi). 2011. *Warasah al-Anbiya (The Inheritance of the Prophets)*, Edited by Ali Fazeli, Qom: Shiite Bibliography Institute, First Edition. [in Farsi]
- Naghawi, Seyyed Ali Mohammad. 2015. *Feghh wa Foghaha dar Hend (Jurisprudence and jurists in India)*, Delhi: Al-Huda International Publications and Cultural and Artistic Institute, First Edition. [in Farsi]
- Naghawi, Seyyed Deldar. n.d. *Emad al-Eslam*, Manuscript of the Library of Ghofran Maab Lucknow, no. 199, Imamate.
- Rahman Ali, Mohammad Abd al-Shakur ibn Ali. 2013. *Tohfah al-Fozala fi Tarajem al-Komala: Tazkerah Olamay Hend*, Qom: Publication of the Islamic Reserves Association. [in Arabic]
- Sadr al-Afazel, Seyyed Morteza Hoseyn. 1996. *Matla' Anwar: Ahwal Daneshwaran Shia Pakistan wa Hend (The Origin of Lights: The Situation of Shiite Scholars in Pakistan and India)*, Translated by Mohammad Hashem, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, First Edition. [in Farsi]
- Sobut, Akbar. 2002. *Filsuf Shirazi dar Hend (Shirazi Philosopher in India)*, Tehran: Hermes, First Edition. [in Farsi]
- Some of the Students of Ghofran Maab. 2016. *Ayineh Haghnama (The Mirror of Truth)*, Researched by Ali Fazeli, Qom: Shiite Bibliography Institute, First Edition. [in Farsi]